

تضییع «حق حیات وحش» در «باغ وحش»

حمید مسجدسرائی* / مصطفی جبّاری**

چکیده

آیا هرگز از خود پرسیده‌ایم که بر آن حیوان مقتدر آزادی که هم اکنون در قفسی کوچک و آلوده؛ نگه‌داشته می‌شود تا ما آدمیان، به تماشای او بنشینیم و گاه غذایی یا تنقلاتی به سویش پرتاب کنیم و او را به سخره بگیریم؛ چه می‌رود؟ آیا هرگز از خود پرسیده‌ایم که لحظه‌ها و ساعات پرنده‌ای تیزبال و ستیغ آسمان نشین و همدم بلندای کوه و گستره دشت؛ در قفسی تنگ و کوچک که برایش زندانی بیش نیست چه گونه بر وی می‌گذرد؟ آیا همه «حق حیات» و «حق آزاد زیستن» از آن ما- اشرف مخلوقات- است؟ همه آن چه در این نوشتار خواهد آمد گسترش همین پرسش و یافتن پاسخی برای آن است: باغ وحش موجب تضییع «حق حیات وحش» است.

کلیدواژه: حیات وحش، حق حیات وحش، تضییع حیات وحش، باغ وحش،

تعطیلی باغ وحش

* دانشیار فقه و حقوق اسلامی دانشگاه سمنان (نویسنده مسؤول) h_masjedsaraie@profs.semnan.ac.ir

** دانشیار فقه و حقوق اسلامی دانشگاه سمنان

تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۰۹/۲۰ - پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۰۲/۱۹

۱- مقدمه

شاید از این «مقدمه» که آدمی اشرف مخلوقات است و آن را مفروغ عنه و اصل موضوع می‌دانیم این «نتیجه» را گرفته‌ایم که همه جهان هستی برای ما و خدمت به ما - آن گونه که خود از خدمت تفسیر می‌کنیم - آفریده شده است. و هم از این نگاه یک سو به و مستبدانه است که حق خود می‌دانیم تا هر گونه که می‌خواهیم و می‌پسندیم با طبیعت و هوا و زمین و آب و جنگل و وحش رفتار کنیم. بر نمی‌تاییم که حق آدمی بر همه اینها «حقی محدود» و ضابطه‌مند و تا آنجاست که شارع برای وی مقرر کرده است. به گمان ما، حق داریم تا وحش را به خدمت خود بگیریم و در کار و بار از وی بهره‌کشی کنیم و اگر دوست داشته باشیم شماری از آنان را تحت هر شرایطی - مکانی، غذایی و آب و هوایی و روح و روانی - نگه داریم تا هرگاه قصد داریم شیری یا عقابی از نزدیک دیده باشیم از دیدن آنها محروم نماییم. آن چه هم اکنون مورد سؤال است این که آیا به راستی آدمی حق دارد با وحش چنین رفتار کند؟ او را در باغی که همه ما بارها از نزدیک شاهد وضع اسف‌بار آن بوده ایم نگه دارد - یا به عبارت درست‌تر - حبس کند تا همگان به تماشای - یا به عبارت درست‌تر - آزار جسمی و روحی او بپردازند؟ آیا شرع، اخلاق و قانون چنین رفتاری را برمی‌تابد.

بررسی پیشینه تاریخی این موضوع نشانگر آن است که در ایران باستان نیکی به حیوانات سودمند از وظایف اصلی بوده است و در تاریخ نقل شده است که پادشاهان ایران باستان، علاقه زیادی به حیوانات داشته‌اند. نیکی و ترحم به حیوانات در آیین زمان ساسانیان رواج داشته و سفارش شده است که سزای آنانی که با حیوانات بدرفتاری می‌کنند عذاب دوزخ و پاداش کسانی که به حیوانات نیکی می‌کنند سعادت ابدی می‌باشد. توجه به حیوانات در آیین مانی و مزدک نیز مورد توجه قرار گرفته است (منوچهری، «حقوق حیوانات در تحقیقات بیوتکنولوژی و بیومدیکال»/۸۵).

طبق تعلیمات اسلام، انسان نماینده و خلیفه خداوند بر زمین است، و دقیقاً به همین دلیل وظیفه دارد تا مراقب تمامی دیگر مخلوقات خداوند اعم از نباتات و

حیوانات باشد. بدیهی است همه نصوصی که بیان می کنند که انعام و دواب برای آدمی مسخر شده اند تسخیر علی الاطلاق را نمی پذیرند و همه آنها مقید به قیدی اولیه هستند: قدر مسلم آن است که آدمی باید به انصاف و عدالت رفتار کند و هر رفتاری که به مرز ظلم و بی عدالتی نزدیک شود مقبول شارع مقدس نخواهد بود. گذری بر آیات و روایات و اندیشه های فقیهان مسلمان بیانگر این معناست که وحش، «حقی» دارند و ستم بر آنان مطلقاً روا نیست. این نوشته بر آن است تا نشان دهد که «باغ وحش» - با وضع موجود خود- بدون تردید موجب ستم و تزییع حق حیات وحش است. اگر اصل مسلم این است که هر ضرر و ظلمی باید مرتفع شود نتیجه این نوشته آن خواهد بود که باغ وحش باید تعطیل شود.

۲- نگاهی به آیات قرآن

در دین اسلام، سفارش ها و مستندات محکمی در راستای حمایت از حیوانات و چگونگی رفتار با آنها وجود دارد. قرآن کریم هرگونه رفتار بیرحمانه با حیوانات را معادل رفتار بی رحمانه با انسان دانسته و مهربانی با حیوانات را همانند برخورد و رفتار خوب با انسان ها و کار نیکو تلقی کرده است. قرآن تصریح می نماید که حیوانات نیز همانند انسان ها مانند یک جامعه عمل می نماید و تمامی مخلوقات خدا جایگاه خاص خود را دارند. همچنین قرآن بیان می کند که انسان بر حیوانات تسلط و برتری دارد، اما این برتری به معنای آزادی بی حد و مرز برای نقض تمام قواعد مسلم اخلاقی وضع شده در راستای حمایت از حقوق حیوانات نمی باشد.

با مطالعه پاره ای از آیات قرآن کریم درمی یابیم که خداوند متعال، «حیوان» را که آیتی از آیات خداوند است در خدمت انسان و مسخر وی قرار داده است تا از آنها انتفاع برد: گوشت، شیر، بارکشی و ... که البته به شیوه ای «شرعی» و «عقلانی» باید باشد. اما دیده ایم که خود چه جفاها بر حیوان می کنیم و چگونه بر او ستم روا می داریم. آیا چنین رفتارهای ستم گرایانه بی پاسخ خواهد ماند؟

در تفسیر مجمع البیان آمده است: «و إذا الوحوش حشرت: آن گاه که حیوانات وحشی جمع می‌شوند تا قصاص بعضی که بر دیگری شاخی زده و یا صدمه‌ای وارد نموده گرفته شود و خداوند سبحان، وحوش و حیوانات را در آخرت محشور کند تا این که به آن چه استحقاق دارند، از عوض بر دردهایی که در دنیا به آنها رسیده، برسند و داد برخی از برخی دیگر گرفته شود پس در آن وقت به آنها خواهد رسید آن چه از عوض ها که استحقاق دارند. پس آن که می‌گوید: عوض همیشگی است می‌گوید آن حیوان برای همیشه در نعمت باقی خواهد بود و ... و بعضی از ایشان گویند: خداوند از باب تفضل، عوض را ادامه دهد به آنها تا این که غمّی به انقطاع آن عوض بر معوض وارد شود و بعضی از آنها گویند: وقتی خدا آن چه استحقاق داشتند از عوض ها به آنها داد آنها را خاک گرداند» (مجمع البیان/۲۶/۳۲۷).

قطب الدین لاهیجی نیز در تفسیر لاهیجی چنین گوید: «و آنگاه که همه جانوران را حشر کنند و زنده کنند برای قصاص که بعضی از بعضی دیگر قصاص جنایت خود طلبند. از ابوذر غفاری منقول است که روزی در خدمت حضرت رسالت پناه بودم. در این اثنا، دو بز در جنگ ایستاده یکدیگر را شاخ زدند. حضرت فرمود: آیا می‌دانید که چرا این دو بز یکدیگر را شاخ زدند؟ اصحاب گفتند که نمی‌دانیم حضرت فرمود: اگر شما نمی‌دانید لیکن خدای تعالی می‌داند و در آخرت حکم میان اینها خواهد کرد.» (تفسیر شریف لاهیجی/۴/۷۸۱).

علامه طباطبائی نیز می‌گوید: «و ظاهر الآیه من حیث وقوعها فی سیاق الآیات الواصفه لیوم القیامه إنّ الوحوش محشوره کالانسان. و یؤیده قوله تعالی: و ما من دأبه فی الأرض و لا طائر یطیر بجناحیه إلاّ أمم أمثالکم، ما فرطنا فی الکتاب من شیء ثمّ إلی ربّهم یحشرون (أنعام/۳۸) و أمّا تفصیل حالها بعد الحشر و ما یؤول الیه أمرها فلم یرد فی کلامه تعالی و لا فیما یعتمد علیه من الأخبار ما یکشف عن ذلك، نعم ربّما استفید من قوله فی آیه الأنعام «أمم أمثالکم» و قوله «ما فرطنا فی الکتاب من شیء» بعض ما یتضح به الحال فی الجملة لایخفی علی الناقد المدبّر، و ربّما قیل: إنّ حشر الوحوش من أشرط

الساعه لا ممّا يقع يوم القيامة و المراد به خروجها من غاباتها و أكنانها؛ آیه به خصوص با توجه به این که در کنار آیاتی قرار گرفته است که قیامت را وصف می کنند ظاهراً بر این دلالت دارد که «وحوش» نیز مانند انسان در قیامت محشور می شوند؛ و آیه ۳۸ سوره انعام نیز مؤید همین برداشت است که می فرماید: «و ما من دابة فی الارض و لا طائر یطیر بجناحیه إلاّ أمم أمثالکم، ما فرطنا فی الکتاب من شیء ثمّ الی ربهم یحشرون». و اما درباره این که سرنوشت وحوش بعد از حشر، چه خواهد شد نه در کلام خداوند و نه در روایات مورد اعتماد چیزی وجود ندارد. البته شاید می توان گفت که شخص آگاه مدبر، از دو عبارت «أمم أمثالکم» و «ما فرطنا فی الکتاب من شیء» اجمالاً وضع وحوش را می تواند استنباط کند. برخی هم گفته اند که حشر وحوش، از نشانه های قیامت است نه آن چه که در خود قیامت واقع می شود و منظور از حشر، خروج وحوش از لانه ها است (المیزان فی تفسیر القرآن/۲۰/۲۱۴).

می توان گفت که آن چه از کلام مفسران اجمالاً به دست می آید این است که حیوانات محشور می شوند و البته این حشر بدون قصد و غرض خاص نخواهد بود؛ غرض خاصی که در روایات به روشنی می توان دریافت: «احقاق حقّ وحوش». از سوی دیگر می توان پرسید که چرا باید آن «خیر» یا «شرّ» را که در سوره زلزال از آن یاد شده است به خیر و شرّی منحصر کنیم که در حقّ آدمیان روا داشته می شود: «فمن یعمل مثقال ذره خیراً یره و من یعمل مثقال ذره شرّاً یره» آیا منظور از خیر و شرّ در حقّ هر که - حتی حیوان - روا داشته شود نیست؟ آیا آدمی چه بسیار که به جای «ذره»، خروارها شرّ و ستم در حقّ حیوان روا نمی دارد؟

۳- نگاهی به روایات

روایات نیز برای حیوانات حقوق خاصه ای را در نظر گرفته اند. تعمیق و تدقیق در این روایات، بیانگر برخورداری حیوان از حقوقی نظیر احترام، عدالت، و آزار ندیدن است. از جمله این روایات:

تضییع «حق حیات وحش» در «باغ وحش» _____ ۳۰۶

۱- إِنَّ النَّبِيَّ (ص) أَبْصَرَ نَاقَةَ مَعْقُولَهُ وَ عَلَيْهَا جِهَازُهَا، فَقَالَ (ص): أَيْنَ صَاحِبُهَا؟
مروه فليستعدّ للخصومه: پیامبر ناقه ای را دید که بسته اند و همچنان جهاز آن هم بر او
بود، پس فرمود: صاحب ناقه کجاست؟ بگوئید که برای توضیح حاضر باشد.

۲- لِلدَّابَّةِ عَلَى صَاحِبِهَا سِتٌّ خِصَالٌ: يَلْعَفُهَا إِذَا نَزَلَ، وَ يَعْضُ عَلَيْهَا الْمَاءَ إِذَا مَرَّ بِهِ
وَ لَا يَضْرِبُهَا إِلَّا عَلَى حَقٍّ، وَ لَا يَحْمِلُهَا مَا لَا يَطِيقُ، وَ لَا يَكْلِفُهَا مِنَ السَّيْرِ إِلَّا طَاقَتَهَا، وَ لَا يَقِفُ
عَلَيْهَا أَفْوَاقًا: حیوان بر صاحب خود شش حق دارد: هرگاه بایستد به او علف دهد، و
چون بر آب گذر کند به او آب دهد، و او را بیهوده نزند، بار افزون بر طاقت بر او بار
نکند، او را بر رفتن در راه سخت مجبور نکند، و چند نفره سوار حیوان نشوند.

۳- إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) سَمِعَ رَجُلًا يَلْعَنُ بَعِيرًا، فَقَالَ (ص): إِرْجِعْ، لَا تَصْحَبِنَا عَلَى
بَعِيرٍ مَلْعُونٍ: پیامبر شنید که مردی شترش را لعن می کند، فرمود: برگرد، با ما بر شتری
ملعون همراه نشو.

۴- لَا تَضْرِبُوا الدَّوَابَّ عَلَى وَجُوهِهَا فَإِنَّهَا تَسْبَحُ بِحَمْدِ اللَّهِ: چهارپایان را کتک
نزنید، چرا که آنان تسبیح خدا را می گویند.

۵- إِنَّ امْرَأَةً عَذَّبَتْ فِي هَرَّةٍ رِبَطَتِهَا حَتَّى مَاتَتْ عَطْشًا: زنی به خاطر گربه ای که
آن را بسته بود تا از تشنگی مرد عذاب شد.

۶- مَنْ قَتَلَ عَصْفُورًا عَبَثًا عَجَّ إِلَى اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْهُ يَقُولُ: يَا رَبِّ إِنَّ فُلَانًا قَتَلَنِي
عَبَثًا وَ لَمْ يَقْتُلْنِي لِمَنْفَعَةٍ: هر کس گنجشکی را بیهوده بکشد آن حیوان روز قیامت نزد
خداوند دادرسی می کند که: خدایا فلانی مرا بیهوده و به عبث و نه بخاطر منفعتی
کشت [خدایا داد مرا از او بستان] [میزان الحکمه ۵۵۶/۲-۵۵۸].

۴- نگاهی به مبانی فقهی بحث

۴-۱- قاعده «لا ضرر»

از بیان برخی از فقها بدست می آید که وجهی برای تخصیص «ضرر» به ضرر
وارد بر انسان وجود ندارد بلکه هر چیزی که مشمول عسر و حرج شود داخل در معنای

«ضرر» می باشد با این تفاوت که عسر و امثال آن غالباً از حیث حکم تکلیفی محقق می شود اما ضرر اعم از حکم تکلیفی و حکم وضعی است (العناوین الفقهیه/۱/۳۰۴).

وانگهی با استناد به آیات و روایات پذیرفتیم که حیوان نیز از جمله «حقوق» خاصه ای برخوردار می باشد؛ با این مبنا، برخی از فقها دامنه ضرر را به حقوق نیز تسری داده و معتقدند که پس از تحقق یافتن یکی از حقوق، منع آن حق مورد نظر، اضرار محسوب می شود (همان/۱/۳۰۸-۳۰۹)، از طرف دیگر، این ادعا که ضرر، به ضرر مالی و بدنی انصراف داشته باشد قابل قبول نیست بلکه از نظر شارع، هیچ ضرری مقبول نیست: مادی باشد یا معنوی؛ جسمی باشد یا روحی؛ بر آدمی باشد یا بر حیوان. مؤید این ادعا، وجود روایاتی است که دلالت دارند بر این که هر چیزی که در اسلام ضرر محسوب شود نفی شده است، چرا که «لا» در لا ضرر، برای نفی طبیعت ضرر وضع شده است.

حال می پرسیم که آیا نگهداری - نه محافظت - از حیوانات در باغ های وحش به شکلی که امروزه در کشور ما متداول است و در بسیاری از موارد باعث تضییع حقوق حیوان می گردد مصداق ضرر محسوب نمی شود؟

۴-۲- قاعده اتلاف و تسبیب

فقهای امامیه در بحث از قاعده اتلاف آنجا که از مستندات این قاعده سخن رانده اند به روایاتی استناد جسته اند که مطابق آنها، هر کس که حیوانی را بیهوده به قتل رساند ضامن قیمت حیوان بوده و از باب مجازات باید چند ضربه شلاق بخورد و در صورت عمدی نبودن، باید قیمت حیوان را پرداخت کرده و ضامن کاهش بهای حیوان خواهد بود؛ از جمله در روایتی از قول امام علی (ع) آمده است: «إِنَّهُ قَضَى فِی مَنْ قَتَلَ دَابَّةً عَبَثًا أَوْ أَفْسَدَ... أَنْ يَغْرَمَ قِيمَةَ مَا اسْتَهْلَكَ وَأَفْسَدَ وَضَرْبَ جُلْدَاتِ نَكَالًا وَ إِنْ أَخْطَا وَ لَمْ يَتَعَمَّدْ ذَلِكَ فَعَلَيْهِ الْغَرَمُ... وَ مَا أَصَابَ مِنْ بَهِيمَةٍ فَعَلَيْهِ مَا نَقَصَ مِنْ ثَمَنِهِ» (القواعد الفقهیه/۱۹/۲)، بدیهی است که نگهداری و پرورش بسیاری از حیوانات علی الخصوص حیواناتی که جزء گونه های کمیاب محسوب می شوند به شکلی که امروزه در پارک-

تضییع «حق حیات وحش» در «باغ وحش» ۳۰۸
های وحش متداول است موجب از بین رفتن گونه خاص آن حیوان شده و مصداق بارز
قتل حیوان از روی عبث خواهد بود.

گاه متولیان پارک‌های وحش بنا به مصالحی و به تشخیص خود، بچه حیوان را
از مادر حیوان دور می‌کنند که در برخی از موارد، تبعات منفی زیادی برای بچه حیوان
به همراه داشته و چه بسا منجر به تلف حیوان گردد. این موضوع در فقه مطمح نظر فقها
قرار گرفته است؛ به طوری که برابر فتوای پاره‌ای از فقها، کسی که گوسفندی را حبس
یا غصب کرده و در اثر آن بچه آن گوسفند از گرسنگی تلف شود، شخص حبس-
کننده یا غصب‌کننده ضامن بوده و تسبیب در این مورد موجب ضمان خواهد بود
(همان/۲۷-۲۸). ناگفته پیداست که در باغ وحش‌ها چنین تسبیب و اتلافی وجود دارد.

۴-۳- نگاه فقیهان به حقوق حیوان

تمام موجودات زنده با حقوقی که طبیعت برای آنها تعریف کرده است به دنیا
می‌آیند.

برابر آن چه از متون فقهی برخاسته از روایات مستفاد می‌شود حیوان بما هو
حیوان، از جمله حقوقی نظیر: حق حیات، حق نفقه، حق بهداشت، حق آزارندیدن، حق
مسکن، حق عدالت، حق تولید مثل، حق احترام، حق سرپرستی، و حق کاربری درست
و خوشایند برخوردار می‌باشد. اهمیت حق حیوان در فقه اسلامی تا آنجاست که
شماری از فقیهان در پاره‌ای موارد آن را در زمره «حقّ الله» دانسته‌اند. حق الله بودن
حق حیوان می‌تواند بر این مبنا استوار باشد که اگر چه بر اساس نصوص بسیاری مانند
«و الأنعام خلقها لکم: چهارپایان برای شما آفریده شده‌اند» (نحل/۵)، حیوانات در خدمت
انسان بوده و برای بکارگیری توسط انسان‌ها استفاده می‌شوند ولی این امر هرگز به
معنای نادیده انگاری حقوق آنها نیست. با مراجعه به متون فقیهان متقدم و متاخر، به
رسمیت شناختن پاره‌ای از حقوق برای حیوانات بدست می‌آید، از جمله:

الف- صاحب جواهر در بحث ودیعه می‌نویسد: «لو قال المالك لا تغلفها أو
لا تسقها لم یجز القبول... بل یجب علیه سقیها و علفها مراعاة لحقّ الله تعالی شأنه و إن

أسقط الآدمی حقه، بل مع امتناع المالك و رفع الأمر الى الحاكم و أمره بالنفقة من ماله يتّجه الرجوع له عليه»: اگر مالک حیوان به شخصی که حیوان را به ودیعه گرفته است بگوید به حیوان آب و علف نده قبول این دستور واجب نیست بلکه بر ودعی آب و علف دادن حیوان واجب است زیرا باید حق الله رعایت شود اگرچه مالک، حق خود را ساقط کرده باشد؛ بلکه اگر مالک از انجام وظیفه سر باز زده و موضوع به حاکم شرع ارجاع شود و وی به شخص امانت گیرنده دستور دهد: هزینه حیوان را از مال خود بپردازد امانت گیرنده می تواند [برای دریافت هزینه] به مالک رجوع کند (جوهر الکلام/۲۷/۱۱۱).

ب- باید توجه داشت که نفقه حیوانات اندازه معینی ندارد و آن چه از نظر فقها واجب است بر آوردن نیازهای خوردنی و نوشیدنی و تهیه محل سکونت مناسب برای حیوان است که با توجه به زمان و مکان و نوع حیوان فرق می کند. البته صاحب حیوان می تواند او را رها سازد تا حیوان با چرا به زندگی خود ادامه دهد. در این فرض، اگر حیوان بتواند با چرا، نیازهای خود را بر آورد مشکلی در کار نیست و اگر نتواند، مالک حیوان باید علوفه او را تأمین کند. اگر مالک از تأمین نیازهای حیوان سر باز زند و نیز او را رها نسازد که در صحرا بچرد، در صورتی که حیوان حلال گوشت باشد، باید او را ذبح کند، و در غیر این صورت، یا باید او را بفروشد و یا نیازهای او را تأمین کند. البته پیداست که مراد از حیوان در این جا هرگونه جاننداری است که در خدمت انسان و برآورنده یکی از نیازهای او باشد. عبارت زیر از قواعد علامه نیز نشانگر اهمیت حق نفقه حیوان در فقه اسلامی است: و لو لم یجد ما ینفق علی مملوکه أو علی الحیوان و وجد مع غیره وجب الشراء منه فإن امتنع الغیر من البیع کان له قهره و أخذه إذا لم یجد غیره: اگر مالک برای بر آوردن هزینه برده و یا حیوان خود چیزی نیابد و آن را پیش دیگری بیابد واجب است از او بخرد. و اگر آن شخص خودداری کرده و فروشنده دیگری هم یافت نشد می تواند خوراک مملوک حیوان را به زور از او بگیرد (قواعد الاحکام/۳/۱۱۸).

از نظر شهید ثانی، اسباب نفقه سه سبب است: زوجیت، قرابت و ملک. ایشان در خصوص سبب سوم چنین می‌گویند: «الثالث: الملک و تجب النفقه علی الرقیق و البهیمه». وی نفقه بهیمه را «واجب» و مصداق بارز آن را «علف» و «سقی» و «مکان» (شامل مراتع که مأوای غنم و بقر و ابل است و اصطیل که مأوای خیل و بغال و حمیر است) می‌داند. او این وجوب را حتی برای حیوانی که از آن استفاده‌ای نمی‌شود یا مشرف به تلف هست هم ثابت می‌داند. از نظر وی، از جمله بهائمی که نفقه‌اش واجب است کرم ابریشم است. و صاحب بهیمه را، در صورتی که از انفاق و رسیدگی به آن خودداری کند گناهکار می‌داند (الروضه البیهه/۵/۴۸۱-۴۸۲).

شهید معتقد است: صاحب بهیمه بر انفاق بهیمه، اجبار می‌شود مگر آن‌که خودش بتواند آب و غذای خود را تأمین کند. در صورتی که صاحب بهیمه از انفاق خودداری کند حاکم وی را اجبار می‌کند که یا آن حیوان را به دیگری بفروشد، یا اگر قابل ذبح و مصرف مسلمانان است ذبح کند. اجبار حاکم برای انفاق بهیمه به این منظور است که بهیمه از تلف مصون بماند. حاکم در اجرای این حکم شخصی را نایب می‌کند تا بر اساس مقتضیات و تصمیم حاکم؛ نسبت به بیع یا ذبح اقدام کند.

در پایان این بحث، شهید ثانی از مملوک غیر ذی روح مانند «زرع» و «شجر» که اگر به آنها رسیدگی نشود تلف خواهد شد سخن کوتاهی دارد. طرح این بحث توسط وی، و این که ایشان به نظر علامه در «تحریر» و «قواعد» اشاره می‌کند بیانگر جایگاه «حیوان» و درخت و گیاه نزد فقیهان و شارع است. بنابراین مراد از حیوان در بحث نفقه، هرگونه جاننداری است که ضرر و زیانی برای انسان نداشته باشد.

ج- بخش مهم سخنان فقیهان در پیوند با چهارپایان، ناظر بر ثبوت حق زندگی برای آنان و پافشاری بر نگهداری و محافظت این حق بر انسان هاست: شهید ثانی در بحث اطعمه و اشربه کتاب مسالک می‌نویسد: کما یجب بذل المال لابقاء الآدمی یجب بذله لابقاء البهیمه المحترمه وان کانت ملکا للغیر... و لو کان للانسان کلب غیر عقور جائع و شاه فعلیه اطعام الشاه: همان گونه که برای ماندگاری آدمی، هزینه کردن مال

واجب است برای ماندگاری حیوان محترم نیز این کار واجب است گرچه حیوان از آن دیگری باشد... و اگر انسان دارای سگی گرسنه و غیر گزنده و دارای گوسفندی باشد بر او آب و علف خوراندن گوسفند واجب است (همان/۱۲/۱۲۰). شاید اولویت گوسفند به این دلیل است که از سگ، ضعیف تر و در خطرتر است.

د- از جمله نیازهای اولیه حیوان، مکان استراحت و آرامش است. کوتاهی ورزیدن در این امر، علاوه بر آن که مورد نکوهش عقل است از مصادیق و نمونه های آزار و اذیت به حیوان بوده و مورد نکوهش و سرزنش شرع مقدس واقع شده است؛ از این رو، صاحب جواهر، حق مسکن برای حیوان را در ردیف حق نفقه او می شمارد: *أما الواجب القيام بما تحتاج اليه من أكل و سقي و مكان...: واجب است برای برآوردن نیازهای حیوان از قبیل خوراکی و آب و مکان اقدام گردد* (جواهر الکلام/۳۱/۳۹۵).

همه این حقوق که برای حیوان برشمردیم به روشنی گویای این نکته اند که حیوان، برخوردار از شأن و کرامت و منزلت الهی بوده و انسان حق ندارد به بهانه اشرف مخلوقات بودن، مقام و کرامت الهی این آفریده را نادیده انگارد.

عالمان دینی نه تنها در نظر که حتی در عمل نیز به مسأله رعایت حقوق حیوان توجه خاص داشته اند. از باب نمونه، در احوال محقق اردبیلی نقل کرده اند که او هرگز مرکبش را تازیانه نمی زد؛ نصف راه را سواره و نصف دیگر را پیاده می رفت و هر وقت حیوان میل به چرا پیدا می کرد، جلو او را نمی گرفت.

در *قصص العلماء آمده است: گویند که مسجد شاه اصفهان به دستگیری چند نفر از سلاطین صفویه انجام پذیرفت و اتمام آن در زمان شاه عباس شد. پس میل آن داشت که مقدس اردبیلی از نجف به اصفهان بیاید و در آن مسجد نماز جماعت بخواند. مجملأ اعیان دولت به سلطان عرض کردند که مقدس نمی آید پس باید شیخ بهایی را فرستاد که او را از نجف بیاورد... و شیخ با جمعی به عتبات عالیات مشرف شدند و در نجف اشرف، مقدس اردبیلی را ملاقات نمودند و به هر نحو که بود او را راضی ساختند و تهیه سفر دیدند و هرچند سعی نمودند که مقدس بر اسب سوار شود*

تضییع «حق حیات وحش» در «باغ وحش» _____ ۳۱۲
نشد، گفت مرا حماری است که بر آن سوار می‌شوم... پس مقدس اردبیلی بر حماری خود
سوار شد. حماری مقدس اردبیلی آهسته راه می‌رفت. شیخ فرمود که حیوان را تندتر
براند، مقدس اردبیلی از این معنا امتناع نمود و گفت: حیوان باید به اراده و اختیار خود
راه برود. پس قدری که راه رفتند مقدس اردبیلی پیاده شد؛ از سبب آن استفسار کردند.
گفت: باید حیوان را مراعات نمود و در بعضی مقامات سواره و در بعضی امکان پیاده
خواهم بود تا طریق عدالت مسلوک شود... در جایی حماری وی شروع به چریدن نمود.
پس شیخ تازیانه بر حماری زد که تند برود و مقدس اردبیلی را خوش آیند نشد و گفت:
چرا حماری مرا اذیت کردی (قصص العلماء/ ۳۶۶-۳۶۹).

۵- نگاهی به قوانین موجود

الف- بیانیه جهانی حقوق حیوانات نیز رسماً در تاریخ ۱۵ اکتبر ۱۹۷۸ در
شورای مرکزی یونسکو در شهر پاریس اعلان گردید. مفاد این بیانیه توسط اتحادیه بین
المللی حقوق حیوانات در سال ۱۹۸۹ مورد تجدید نظر قرار گرفت و در سال ۱۹۹۰ به
رئیس مجمع عمومی یونسکو تسلیم گردید و در همان سال منتشر شد. روز جهانی
حقوق حیوانات برای اولین بار در تاریخ ۱۰ دسامبر سال ۱۹۹۸ نامگذاری گردید که هر
سال در این روز فعالان حقوق حیوانات در سراسر جهان مراسم گوناگونی در دفاع از
حقوق پایمال شده حیوانات برپا می‌کنند (منوچهری، «حقوق حیوانات در تحقیقات بیوتکنولوژی و
بیومدیکال»/ ۷۹).

در بیانیه جهانی حقوق حیوانات، حقوقی برای حیوانات در نظر گرفته شده
است؛ برخی از مفاد این بیانیه چنین است:

«ماده ۱: تمامی حیوانات دارای حقوق مساوی برای زندگی کردن تحت عنوان
تبادل زیستی هستند؛ این حقوق مساوی، گونه‌های مختلف و خاصی را تحت الشعاع
قرار نمی‌دهد.

ماده ۲: به حق زندگی تمامی حیوانات باید احترام گذاشته شود.

ماده ۳: ۱- حیوانات نباید در معرض برخوردهای بد و اعمال بی‌رحمانه قرار گیرند.

۲- اگر نیاز به کشتن حیوانی باشد این عمل باید آنی، بدون درد و بدون درک حیوان صورت گیرد.

۳- با جسد یک حیوان باید با شایستگی برخورد شود.

ماده ۴: ۱- حیوانات وحشی حق زندگی و تولید مثل آزادانه در محیط طبیعی زیستگاه خود را دارند.

۲- محرومیت طولانی مدت از آزادی برای حیوانات وحشی، شکار کردن و ماهی گرفتن تجربی به عنوان سرگرمی و نیز هرگونه استفاده از حیوانات وحشی به دلایلی که حیاتی نباشد مغایر با این حق بنیادی است.

ماده ۵: ۱- هر حیوانی که به انسان وابسته است باید به شایستگی نگهداری و مراقبت گردد.

۲- هرگونه ازدیاد نسل و استفاده از حیوانات باید طبق احترام به ساختار ویژه فیزیولوژی و رفتاری آن گونه باشد.

۳- در نمایشگاه‌ها، نمایش‌ها و فیلم‌هایی که حیوانات در آن شرکت دارند باید منزلت آنها محترم شمرده شود و عاری از هر خشونت باشد.

ماده ۶: ۱- هرگونه آزمایش زجرآوری بر روی حیوانات چه به صورت فیزیکی و چه روحی، تجاوز به حقوق حیوانات محسوب می‌گردد.

ماده ۷: هرگونه عمل غیر ضروری که باعث مرگ حیوانی گردد یا هرگونه تصمیمی که منجر به این عمل گردد جنایت علیه زندگی تلقی می‌گردد.

ماده ۸: هرگونه عمل مغایر با بقای گونه‌های حیوانات وحشی و یا هرگونه تصمیمی که منتهی به این امر گردد کشتار دسته جمعی تلقی می‌گردد.

نخستین بار در جهان غرب پس از رنسانس، همراه با صنعتی شدن جهان، در سال ۱۸۲۲ م. قانونی برای حمایت از حیوانات در پارلمان انگلستان به تصویب رسید و

تضعیع «حق حیات وحش» در «باغ وحش» _____ ۳۱۴
این قانون در سال ۱۹۱۱ م. تکمیل شد. بعدها در کشورهایی مانند آلمان، آمریکا، اسپانیا، بلژیک، دانمارک، و برخی دیگر از کشورها، قوانینی مشابه تدوین و تصویب شده و به مرور تبصره‌هایی بر آن افزوده شد. این قوانین شامل مباحثی در خصوص بارکشی و ایجاد درگیری میان حیوانات، کشتن آنها با مواد سمی، بریدن دم‌اسب، شکار گوزن در شب، مبارزه با بیماری حیوانات و بیهوشی قبل از ذبح بود (کاظمی، رزم آرای، صودی راد، «حقوق حیوانات و تحقیقات زیست پزشکی» ۶۶).

بر اساس قوانین پیشنهادی و مصوب CIOMS (شورای سازمان‌های بین‌المللی علوم پزشکی) در سال ۱۹۸۵ م. و تجدید نظرهای بعدی در سال‌های ۱۹۹۳ و ۲۰۰۲ م. مفاد این قوانین به صورت جهانی پذیرفته و مقرر شده است که در تمام آزمایش‌ها بر روی حیوانات آزمایشگاهی، باید روش 3RS (سه آر) مدنظر قرار گیرند که شامل: جایگزینی، کاهش و پالایش، به منظور بهبود کیفیت علمی و رعایت اصول اخلاقی در پژوهش در خصوص حیوانات است. بر اساس این قوانین، مطالعات پژوهشی باید به درستی اجرا شوند، از ایجاد درد و رنج غیر ضروری برای حیوانات ممانعت به عمل آید، باید در جهت جایگزینی حیوانات با جایگزین‌های غیر حساس تلاش شود، از روش کاهش تعداد حیوانات به حداقل مورد نیاز استفاده شود و محدود نمودن آزمایشات به صورتی که استفاده از حیوانات حداقل درد و اضطراب را به آنها تحمیل نماید، مورد توجه باشد. این اصول عمده در وضع قوانین جدید تأثیر داشته و برای کنترل استفاده از حیوانات آزمایشگاهی، به طور رسمی در مصوبات بسیاری از کشورها گنجانده شده است. سه اصل مهم: جایگزینی، کاهش و پالایش، از موارد مشترک مورد قبول برای پژوهشگرانی است که از حیوانات استفاده می‌کنند (همان ۶۸).

ب- در ایران انجمن حمایت از حیوانات، یک تشکل مردمی و زیست محیطی از گروه سازمان‌های غیر دولتی است که در سال ۱۳۷۷ آغاز به کار نموده است^۱.

۱- همان گونه که ملاحظه می‌شود در ایران، تأسیس یک تشکل یا انجمن در خصوص حمایت از حیوانات، ده سال جلوتر از کشورهای خارجی بوده است.

انجمن حمایت از حیوانات که به نام بین المللی ایران. اس. پی. سی به جهان معرفی شده است، یک سازمان غیر دولتی ایرانی با هدف حمایت از حیواناتی است که مورد آزار قرار می‌گیرند و بی‌پناهند. برخی از اهدافی که در این سازمان آمده است، عبارتند از: حفاظت از حیات وحش و جلوگیری از انقراض نسل حیوانات و جلب توجه عامه به دوستی با آنها؛ توسعه معلومات و ایجاد مسئولیت فردی در مقابل حیوانات در جهت تخفیف آلام آنها، نظارت بر نحوه استفاده از حیوانات به منظور پیشرفت علم، مسابقات و سرگرمی، شکار و تربیت، کشاورزی، تولید مثل، دامپزشکی، حمل و نقل و... به شکلی که رفاه حال آنها در نظر گرفته شود.

در ایران تاکنون قانون اختصاصی جامعی برای حمایت از حیوانات تصویب نشده است، لکن مقررات پراکنده‌ای در قوانین مختلف پیش و پس از انقلاب اسلامی تصویب شده است از جمله قانون شکار و صید، مصوب ۱۶ خرداد ۱۳۴۶ ش.، که مقررات زیادی در مورد رعایت حقوق حیوانات در بردارد:

در «ماده ۱۱ بند د» جزای نقدی یا مجازات حبس برای کسانی منظور شده است که به تخریب چشمه‌ها و آبشخور حیوانات در مناطق حفاظت شده و پناهگاه‌های حیات وحش اقدام می‌کنند.

«ماده ۱۲ بند د» جزای نقدی یا مجازات حبس برای کسانی قرار داده است که با آلوده کردن آب رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و تالاب‌های حفاظت شده، چشمه‌ها و آبشخورها باعث آلودگی و از بین رفتن آبزیان می‌شوند.

«ماده ۱۳ بند ج» درباره مجازات کسانی است که به شکار صید یا کشتار جانوران وحشی با استفاده از سموم و مواد منفجره و امثال آن و شکار به صورت تعقیب با استفاده از وسیله نقلیه موتوری و همچنین کشتار آنان به طریق جرگه و محاصره دسته جمعی پردازند.

قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی مصوب ۱۴ شهریور ۱۳۷۴ ش. مقرراتی در زمینه صید آبزیان، تکثیر و پرورش، جرایم و مجازات‌های مربوط به صید

ذکر شده دارد و در مصوبه شماره ۱۴۰ مورخ ۷۴/۷/۶ ش. شورای عالی حفاظت محیط زیست، بهای هر عدد از جانوران وحشی اعم از پستانداران، پرندگان، خزندگان و... از لحاظ مطالبه ضرر و زیان تعیین شده است که حتی مواردی همچون بهای نوزاد پستاندارانی که هنگام شکار در رحم مادر بوده‌اند، تخم پرنده یا خزننده وحشی و بهای تخریب لانه و آشیانه پرنده را در برمی‌گیرد.

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و ۱۳۹۲ نیز در دو ماده ۶۷۹ (۹۰۵) و ۶۸۰ (۹۰۶) در مورد اتلاف حیوانات چنین آورده است:

ماده ۶۷۹ (۹۰۵) - «هرکس به عمد و بدون ضرورت، حیوان حلال گوشت متعلق به دیگری یا حیواناتی که شکار آنها توسط دولت ممنوع اعلام شده است را بکشد و یا مسموم یا تلف یا ناقص کند، به حبس از نود و یک روز تا شش ماه یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا سه میلیون ریال محکوم خواهد شد.»

ماده ۶۸۰ (۹۰۶) - «هرکس بر خلاف مقررات و بدون مجوز قانونی اقدام به شکار یا صید حیوانات و جانوران وحشی حفاظت شده نماید، به حبس از سه ماه تا سه سال و یا جزای نقدی از یک و نیم میلیون ریال تا هیجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.»

سؤال: چرا نمی‌خواهیم بپذیریم حیوانی که قابل «تربیت شدن» است قابلیت این را دارد که دچار روان پریشی و افسردگی بشود؟ چرا نمی‌خواهیم بپذیریم که مفهوم «عشق» در حیوانات عمیقاً وجود دارد و آن‌گاه که حیوانی، جفت یا فرزند خود را می‌بیند که از حضور و حبس در قفس رنج می‌برد عمیقاً دچار افسردگی روان خواهد شد؟ چرا نمی‌خواهیم بپذیریم که ممکن است غرش شیری یا زوزه گرگی، آهوی جوانی را چنان بترساند که قدرت باروری خود را برای همیشه از دست بدهد؟ و... آیا هیچ‌گاه خود را به جای حیوان داخل قفس نهاده ایم و با خود فکر کرده ایم که اگر آزادیمان را بگیرند و غذایی برایمان «ببندازند» - نه آن که پیش ما بنهند - چه حسّی خواهیم داشت؟

نتیجه

اینک و بر پایه آن چه از متون دینی و آراء فقها، که متخذ از آن متون است؛ نیز متون قانونی و سؤالاتی که مطرح شد آیا نباید نتیجه گرفت که «باغ وحش» با وضعیت کنونی خود، با مبانی شرعی و قانونی ناسازگار است و جامعه دینی، وجود چنین مکانی را نباید بپذیرد.

منابع

- بجنوردی، سیدحسن، **القواعد الفقهیه**، ج ۲، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۳ق.
- تنکابنی، میرزا محمد، **قصص العلماء**، بیروت، دار المحجّه البيضاء، ۱۴۱۳ق.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، **الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه**، انتشارات دآوری، ۱۴۱۰ق.
- _____، **مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام**، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۶ق.
- حسینی مراغی، سید میر عبد الفتاح، **العناوین الفقهیه**، ج ۲، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۵ق.
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف، **قواعد الاحکام**، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ق.
- ری شهری، محمد مهدی، **میزان الحکمه**، مکتب الأعلام الإسلامی، ۱۳۷۲.
- طباطبایی، سید محمدحسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۹۴ق.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، **تفسیر مجمع البیان**، ترجمه محمد رازی، فراهانی، ۱۳۵۸.
- کاظمی، عبدالحسن، رزم آرای، ناصر، صودی راد، بهرام، «**حقوق حیوانات و تحقیقات زیست پزشکی**»، فصلنامه اخلاق پزشکی، سال پنجم، شماره ۱۵، ۱۳۹۰.
- لاهیجی، قطب الدین محمد بن الشیخ علی الاشکور الدیلمی اللاهیجی، **تفسیر شریف لاهیجی**، تصحیح میر جلال الدین محدث ارموی و دکتر محمد ابراهیم آیتی (به کوشش جعفر پژوم)، انتشارات علمی، ۱۳۹۰ق.
- منوچهری، مهدی، «**حقوق حیوانات در تحقیقات بیوتکنولوژی و بیومدیكال**»، فصلنامه اخلاق پزشکی، سال سوم، شماره ۸، ۱۳۸۸ش.
- نجفی (صاحب جواهر)، محمدحسن، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**، المکتبه الاسلامیه، بی تا.

